

مقدمه‌ای بر هنردرمانی

افسانه‌مهدوی

کارشناس مسئول مطالعات و تحقیقات

چکیده

مردم در برخی از مراحل زندگی ممکن است خود را غرق در مسائل و مشکلات عاطفی ببینند که روبرو شدن با این مشکلات هم برای خود آنها و هم سایرین بسیار دشوار باشد. هنردرمانی این فرصت را به آنها می‌دهد که این فشارها و افکار و احساسات رنج‌آور را در محیطی امن و حمایت‌کننده بشناسند. هنردرمانی شامل استفاده از موضوعهای هنری مختلفی مانند سفال، باتیک و نقاشی برای ارائه یک نمایش دیداری از افکار و احساسات است. هنر درمانی می‌تواند یک فعالیت فردی باشد لکن اغلب در موقعیتهای گروهی نیز بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. از هنردرمانی برای کمک به مدیران و کارکنانی که تحت فشارهای روحی قرار دارند، کسانی که عموماً خیلی کار می‌کنند و تحت فشارند، افرادی که بامشکلات بیماری روانی دست و پنجه نرم می‌کنند، کسانی که مشکلات یادگیری شدید دارند، کودکان و نوجوانانی که در مدرسه و خانه مشکل آفرینند و همچنین کسانی که احساس می‌کنند مشکلی ندارند ولی مایلند مسائل درونی خود را بشناسند استفاده می‌شود. هنردرمانگر با استفاده از موضوعهای هنری متفاوت به مددجو راهنمایی، حمایت و فرصت برای کشف مسائل را ارائه می‌دهد. به عنوان یک فرد در سطح شخصی از هنردرمانی می‌توان به عنوان ابزاری برای کشف مسائل درونی استفاده نمود. راه مطمئنی برای بیان احساسات قوی، حساس و یا مخرب است. برای افزایش رابطه بین افراد، گروهها یا تیمهای حرفه‌ای نیز استفاده می‌شود.



واژگان کلیدی: هنردرمانی، درمان غیردارویی، تاثیر روانی هنر، تصویرهای درونی

مقدمه

هنردرمانی شکلی از روان‌درمانی است که از رسانه هنر به عنوان سبک اصلی ارتباط خود استفاده می‌نماید. مددجویانی که به هنردرمانگر ارجاع داده می‌شوند باید در زمینه هنر قبلاً تجربه یا مهارت داشته باشند.

یکی از شیوه‌های درمان غیر دارویی، هنردرمانی می‌باشد که در این روش از تأثیرات روانی برخی هنرها از جمله نقاشی بر ذهن و روان بیمار استفاده می‌شود.

هدف کلی هنردرمانگران این است که مددجو را قادر سازند با استفاده از ابزار هنر در محیطی سالم و امن در خود رشد و تحول ایجاد کند. هنردرمانی، یک روش مراقبتی است که فرآیند روان‌درمانی را گسترش می‌دهد به طوریکه این فرآیند شامل واکنشهای کلامی، دیداری و احساسی مددجو می‌شود. در هنردرمانی رابطه بین مددجو و هنردرمانگر اهمیت فراوانی دارد اما هنردرمانی با سایر درمانهای شناختی که در آنها سه فرآیند بین مراجع، درمانگر و تصورات وجود دارد متفاوت است.

بنابراین در هنردرمانی به مددجو فرصت داده می‌شود تا افکار و احساسات خود را بیان کند و با دیگران ارتباط برقرار نماید. این به ویژه برای افرادی سودمند است که بیان افکار و احساسات برایشان کاری سخت و دشوار است. هنردرمانگران دانش کافی از تمرینهای درمانی با توجه به فرآیندهای هنری دارند و به طور گسترده هم با گروه و هم با فرد در زمینه‌های گوناگون جمعی و فردی فعالیت می‌کنند مثل بهداشت روانی بزرگسالان، اختلالات یادگیری، مراکز کودک و خانواده، خدمات در زندان و... استفاده از ابزارهای هنری به عنوان یک ارتباط صحیح، فرآیند رویارویی درمانی، هنردرمانی را از سایر روشهای درمانی مانند مشاوره، روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی متمایز می‌کند. زمانی که سایر حرفه‌ها از ابزارها و مهارت‌های هنری در جلسه درمان استفاده می‌کنند چنین استفاده‌ای به ابزارهای کلامی اولیه ارتباط کمک می‌کند. متخصصان بهداشت روانی تا زمانی که در زمینه هنردرمانی آموزش نینند مجوز استفاده از ابزارهای هنری را نخواهند داشت. وقتی هنردرمانگر رویکرد اولیه کلامی را در برخی از جلسات درمان به کار می‌برد هسته مرکزی ارائه خدمات هنردرمانی، توانایی هنردرمانگر برای ارزیابی و به کار بردن ابزارهای هنری و مهارت‌های مناسب است. در انجام یک کار ساده هنری، تشبیه‌هایی به کار برده می‌شود که مددجو آنها را تایید می‌کند. وقتی از مددجو خواسته می‌شود تا تصمیمی را که به هنگام انجام کار هنری گرفته به سادگی

توضیح دهد رفتار، افکار و احساسات او به همان اندازه که در موقعیت‌های دیگر روشن است شفاف می‌شود. به کارگیری هنر در تصویرهای درونی، کلیدهایی را در اختیار ما می‌گذارد که با استفاده از آنها می‌توانیم بفهمیم کی هستیم و چه اعتقاداتی داریم. هنر همه آن چیزهایی را که دیدن یا به زبان آوردن آنها دشوار و رنج آور است قابل دیدن می‌کند. هنر به مددجو کمک می‌کند واضح تر ببیند و حسی از زندگی را در وجود خود احساس کند. مددجو همانطور که احساس می‌کند، کشف می‌کند، فکر می‌کند و ایجاد می‌نماید، بینشهای جدیدی نیز در مورد خودش، روابط و الگوی زندگی اش به دست می‌آورد. از هنر به عنوان شکلی از زبان در جلسات هنردرمانی و همراه با بحثهای کلامی برای کمک به مددجو برای رسیدن به درک کاملی از خود استفاده می‌شود.

هنردرمانی، یک روش مراقبتی است که فرآیند روان‌درمانی را گسترش می‌دهد به طوریکه این فرآیند شامل واکنشهای کلامی، دیداری و احساسی مددجو می‌شود

در ارائه کار هنری، مخاطب فردیست که آسیب دیده و مجروح است. هنر درمانگر او را تشویق می‌کند به اینکه کاملاً در زمان حال زندگی کند.

تاریخچه مختصری از هنردرمانی و پی‌ریزی نظریه‌ای آن
مبنای نظریه‌ای هنردرمانی براساس اصول روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ریخت‌شناسی، فیزیولوژی، زیبایی‌شناسی و آموزش ترسیم شده است. به عنوان یک کار روان‌درمانگری، هنردرمانی دورنمای نظریه‌هایی چون روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی و مشاوره را به کار می‌گیرد و به طور کلی تاریخچه توسعه روان‌درمانی از جمله تغییر ادراک و اولویتهای در کار مدرن را منعکس می‌کند.
مقایسه آماری نشان می‌دهد که از دهه (۱۹۵۰ م) به بعد با کشف داروهای جدید و ابداع روشهای نوین

درمانی از جمله هنردرمانی، تعداد بیماران روانی و مدت اقامت آنها در بیمارستانهای روانی کاهش چشمگیر داشته است. تاریخ هنردرمانی شاید به ۲۳ قرن قبل باز می‌گردد. اما رد پای هنردرمانی به شیوه جدید که در آن انواع مختلف این رشته و روشهای تحلیل روانی وجود دارد فقط تا (۲۰۰) سال پیش قابل پیگیری است. در سالهای پیدایش علمی هنردرمانی در آمریکا از اوایل دهه ۱۹۳۰ تا اواسط دهه ۱۹۵۰ م، هنرمندان برجسته، استادان هنر در طب، روان‌درمانگران و تسهیلات آموزشی در هنردرمانی به کار گرفته می‌شدند. این هنرمندان و همکاران آموزشی و پزشکی آنان دریافته‌اند بیمارانی که مشکلات گفتاری دارند در حین انجام یک کار هنری دوباره به زندگی بر می‌گردند و می‌توانند زبان هنر را به عنوان یک تصویر

کارهایی چون طراحی با ذغال، نقاشی با آب رنگ یا ساختن یک کار دستی تحت نظر یک هنر درمان مجرب، مهربان و ملایم می‌تواند به طور قابل توجهی از احساس درد و اضطراب بیماران سرطانی بکاهد.

این تحقیق که توسط محققین در بیمارستان Northwestern Memorial شیکاگو طی چهار ماه انجام شد انجام شد، ثابت کرد که هنر درمانی، به سبک کردن هشت مورد از نه مورد نشانگان بیماری سرطان، از جمله درد، افسردگی، کم اشتهاهی و خستگی، کمک می‌کند هنر درمانی، توسط یک متخصص آگاه از هنر و روانکاوی انجام می‌شود و با به کار گرفتن روند خلاقه موجود در ایجاد آثار هنری، به بیماران امکان می‌دهد تا درونی ترین احساسات خود را بیان کرده و به آرامش دست یابند. جودیت پیس^۲، مدیر این برنامه و همکار نویسنده در تحقیقات می‌گوید:

«این کار تنها هنر آفرینی نیست، قضیه به سادگی چسباندن پولک بر کاغذ نیست. واقعیت این است که در اینجا جریانی دائمی از تجلی احساس، بیان و تشریح درونیات وجود دارد که به مردم اجازه می‌دهد آنچه بر آنها می‌گذرد را در شکلی تازه بیان کنند، این موضوع را که در بیمارستان هستند و شاید علایم بیماری در آنها شدت یافته باشد و اینکه شاید از نتیجه معاینات وحشت زده هستند یا نگران آینده اند.»

کارکردهنردرمانی

در ایجاد یک کار هنری، ذهن، بدن و روان درگیر است با این استدلال که در تعامل با استدلال کلامی از ساختارهای مغزی کاملاً متفاوت استفاده می‌شود. در خلق یک اثر هنری، انعطاف پذیری، مشاهده از نزدیک، رشد ادراکی، تجسم فضایی دستکاری ابزارها و مواد از نظر مفهومی و فیزیکی، تحمل بی نظمی و دوگانگی، توانایی استفاده مستمر از مواد و مهارتهای شناختی و یدی برای ایجاد شکل لازم است.

یکی از کارکردهای مهم هنردرمانی این است که اشکال غیرقابل دیدن را قابل دید می‌سازد. کار منسجم هنری می‌تواند:

- ۱- خویشتن گسترده ای از مددجو ارائه می‌دهد بدین شکل توانایی او را برای مشاهده خود افزایش می‌یابد
- ۲- برون سازی حافظه آسیب دیده یا موضوعهای رشدی و ارتباطی ناتمام برای تسلی بخشیدن به تعارضهای

در خلق یک اثر هنری، انعطاف
پذیری، مشاهده از نزدیک، رشد
ادراکی، تجسم فضایی، تحمل
بی نظمی و دوگانگی، توانایی استفاده
مستمر از مواد و مهارتهای شناختی و
یدی برای ایجاد شکل لازم است

نمادین درک کنند. هنر، درها و پنجره‌ها را به روی روان آدمی می‌گشاید. بیماران به ناگهان خودشان را به گونه ای متفاوت می‌شناسند و درک می‌کنند. در این سالهای نخستین، تفکر روان درمانگری برای هنردرمانگران که هنردرمانی را با مفاهیم یونگ در مورد تصویرپردازی فعال، نمادسازی رویا و تئوریهای آرکی تایپ^۱ ناهشیار ترکیب می‌کردند یک تئوری اساسی و رایج بود. تئوری روان درمانگری یک فرضیه اصلی نیز بود برای تفسیر تندیسها و تصاویر این عقیده که از هنر می‌توان برای افزایش سطح تشخیص بیماریها استفاده کرد بسیاری از هنردرمانگران نخستین را تشویق کرد تا در جستجوی کلیدهایی باشند که می‌توانست تصاویر را دوباره رمزگشایی کند.

پیشینه تحقیق
در تحقیقات انجام گرفته در تورنتو ثابت شده است:

درونی و فراهم کردن ابزاری برای پردازش مجدد حادثه یا موضوع.

۳- ابزارهایی را فراهم می‌کند برای بازنگری و مطرح کردن مجدد تعارضها.

۴- مدارک پایداری را از کار درمانی ارائه می‌دهد.

۵- تجربه‌های شخصی که خود فرد فوراً درک می‌کند را مانند معنای رمزهای نهانی که هنوز درک نشده‌اند قابل دیدن می‌کند

چون در مراکز هنردرمانی، کارهنری تولید می‌شود، مفاهیم مربوط به زیبایی مثل تعادل، جهت، تکرار، مانند ویژگیهای فنی موضوعهای هنری مثل شکل پذیری، مقاومت، نرمی و... را می‌توان با اصطلاحهای روان شناسی یونگ و گشتالت دوباره طراحی کرد. یک کار صنایع دستی را می‌توان مانند ترکیب آن برحسب روابط شکل- زمینه، کیفیت و کامل بودن شکل، روابط اجزای درونی با همدیگر و مانند آن از منظر رمز نهانی و مفهوم تشبیهی آن نیز مورد توجه قرار داد. بنابراین فرآیند ساخت صنایع دستی، هم یک فرآیند واقعی است و هم یک فرآیند استعاره‌ای. موضوع هنری در اختیار مددجو قرار می‌گیرد و او فرآیندی را ایجاد می‌کند که حاصلش اطلاعات رفتاری فوری است که می‌تواند به طور استعاره‌ای نیز توسط درمانگر و یا مددجو به عنوان تعمیمی از پاسخ عادت‌ی مددجو به موقعیتهای زندگی اش مورد توجه قرار بگیرد. در قصه درمانی (گفتن داستان) اصول روانشناسی و داستان‌سرایی با هم ترکیب می‌شوند و به مددجو ابزارهای اضافی ارائه می‌گردد تا خویشتن خویش را درک و تجربه هایش را اصلاح نماید.

رابطه درمانی در هنردرمانی

هنردرمانی در متنی از رابطه درمانی به وقوع می‌پیوندد. هنردرمانگر می‌تواند نقش مثبتی را از اصول تئوریک یا مشابه مانند مشاوره، روان شناسی، روان درمانگری یا مددکاری اجتماعی اتخاذ کند. نقش ممکن است از طب سنتی و کارهای جادوگری (نقشی که در آن درمانگر یک شفادهنده است) نیز گرفته شود. بنابراین در هنردرمانی، با استفاده از تشبیه گشتالت، رابطه درمانی ممکن است کم و بیش، رابطه «شکل و زمینه» باشد^۳.

ادیت کرامر^۳ از پیشگامان هنردرمانی، هنر را به عنوان «دست سوم» نامیده است. وجود کارهای دستی انجام شده، قالب رابطه درمانی را گسترش می‌دهد. کار هنری بر

درمانجو و درمانگر تاثیر متقابل دارد.

هنردرمانی را در گروههای دو یا چند نفره نیز می‌توان اجرا کرد. در هنردرمانی گروهی، بیشتر محرکهای درون فردی ارائه و در نتیجه در فرد انگیزه ایجاد می‌شود. در این روش برحسب اهداف گروه، ممکن است بر پویایی‌های درون فردی فعالیت کار هنری تاکید شود و یا بر مشارکت و استناد به تصاویر به وجود آمده تاکید شود.

کلیت ظاهری برخی مطالب تصویری، احتمال وجود یک رمز دیداری و ناب بودن کارهای هنری و تصاویر، به تنهایی در یک مدل بالینی که کاهش دهنده علائم بیماری است بدست نمی‌آید درمقابل شیوه‌های روان تحلیلی گشتالت و کاربران پدیدارشناسی بر اکنون و حالا تاکید می‌کنند. با انجام کار هنری، حرکت، الگوها و مفاهیم

هنردرمانی برای بیان غیر کلامی مزیت قائل است. به این ترتیب هنردرمانی امکان می‌دهد هنگامی که کلماتی برای ابراز احساسات خود پیدا نمی‌کنیم یا هنگامی که بیان کلمات یا احساسات بسیار مشکل باشد بتوانیم هیجانات و احساسات خود را بیان کنیم

مربطی که در فرآیند ساخت و مشاهده کار به وقوع می‌پیوندد نیز به عنوان صنایع دستی به حساب می‌آید...

این رویکرد، از نظریه‌های اولیه ارگانوسمیک که یک روش دومی از هنردرمانی را در طول مسیرهای بشردوستانه و درون فردی به پیش می‌برد مشتق شد. این دو موج «بالینی صرف» و «تحلیلی و بشردوستانه» اغلب در حالت عدم توافق با یکدیگر بودند اما هر دو از هنر به عنوان ابزارهای اساسی ارتباط در رابطه درمانی استفاده می‌کردند. در روش سوم از هنر به عنوان درمان نام برده می‌شد و بسیاری از هنردرمانگران فضای بازی را در مجموعه‌های درمانی خود بنیان نهادند که بر قدرت ذاتی فرآیند خلاق و ایجاد کار هنری برای افزایش عملکرد فردی متکی بود. در این رویکرد نه کار هنری و نه رابطه درمانی هیچکدام مورد تحلیل واقع نمی‌شدند. اعتماد به نفس کامل، در مجموعه درمان، جزء ویژگیهای ذاتی کارهنری و درمانی محسوب می‌شد.

این برخورد میان نظریه‌ها نه تنها در رشته هنردرمانی بلکه در سایر قلمروهای یکپارچه علمی مانند روان‌شناسی و مشاوره نیز هنوز باقیست. لکن تلفیق فزاینده‌ای از تئوری و رویکرد در هردو جامعه روان‌درمانگران و هنردرمانگران وجود دارد. همانگونه که تئوری از دوقطبی بودن به سمت اتحاد و یگانگی حرکت می‌کند تمایزهای واقعی بین ذهن و بدن مانند تمایز بین هنر به عنوان درمان و هنر در درمان نیز از بین می‌رود.

آنچه تمامی اصول درمانی را با هم یکپارچه می‌سازد این باور است که بشر قادر است، باورهایش را در مورد خود و دنیای پیرامونش تغییر دهد و این تغییرات در چگونگی تعامل

نیمکره‌های راست و چپ درگیر می‌شود. این مساله موجب یکپارچگی احساسات، شناخت و حواس می‌شود در نتیجه درک تازه‌ای به وجود می‌آید.

• ایجاد هنر، استدلال دیداری- فضایی و متوالی را ارتقاء می‌بخشد

• تصاویر، پلی میان فرآیندهای هشیار و ناهشیار هستند.

• کار هنری ایجاد شده به عنوان آرشیو، یکپارچه‌سازی آگاهی و درک مددجو عمل می‌کند

• کار هنری، انضباط درونی فرد را بالا می‌برد.

• کار هنری، اجتماعی شدن فرد را افزایش می‌دهد.

• کار هنری، سطح خودپنداره و خودمختاری فرد را بالا می‌برد.

نتیجه

هنردرمانی یک نظام حرفه‌ای با تلفیقی از هنر، روان‌شناسی و سایر علوم اجتماعی همراه با پیکره‌ای از دانش و ادبیات انتشار یافته است. هنردرمانگران در بیمارستانها، مجموعه‌های مراقبت از کودکان، مراکز اجتماعی، کانون بازنشستگان، کارگزاریهای خدمات اجتماعی، زندانها، مراکز پزشکی، مدارس و آسایشگاهها می‌توانند فعالیت کنند. هنردرمانی روشی است که به افراد کمک می‌کند با بهره‌گیری از آفرینش‌های هنری بتوانند هیجانات، احساسات و تعارضات درونی خود را ابراز کنند. هنردرمانی در همه زمینه‌های هنری کاربرد دارد. طراحی، نقاشی، مجسمه‌سازی، کولاژ، دکوپاژ، انواع کارهای دستی و... آثار هنری پدید آمده بیان آزادانه‌ای از هیجانات و احساسات درونی، خاطرات و تجربیات گذشته، تمایلات قلبی و رویاهای فرد است. هنگامی که اثری به پایان می‌رسد رنگ‌ها، نمادها و ساختارها به قدری شاخص هستند که به فرد کمک می‌کنند در راه شناخت خود گام بردارد. هنگامی که شخص خودش مسئولیت اجرایی اثر را به عهده می‌گیرد تعارضات و مشکلات خود را بهتر می‌شناسد و بهتر می‌تواند آنها را بپذیرد و بر آنها چیره شود. آثار هنری همچنین نقش‌رهایی بخش و آزادکننده‌ای را ایفا می‌کنند و به جای دادن و شکل گرفتن تغییرات مورد انتظار کمک می‌کنند. به علاوه آفرینش هنری جلوه‌های آرام بخش، حیات بخش و ارزش دهنده بسیار مثبتی دارد. مانند هر روند درمانی و شفابخش، این رویکرد یک سرمایه‌گذاری شخصی مهم نیاز دارد. زیرا شخص لحظات هیجانی و احساسی و رنج‌های حتی سخت و شدید را پشت سر می‌گذارد. برخلاف روان‌درمانی یا روانکاوای هنردرمانی برای بیان غیرکلامی مزیت قائل است. به این ترتیب هنردرمانی امکان می‌دهد هنگامی که کلماتی

آنچه تمامی اصول درمانی را با هم یکپارچه می‌سازد این باور است که بشر قادر است، باورهایش را در مورد خود و دنیای پیرامونش تغییر دهد و این تغییرات در چگونگی تعامل آنها با دنیای پیرامونشان می‌تواند موثر باشد.

آنها با دنیای پیرامونشان می‌تواند موثر باشد. این تغییرات چگونه به طور فزاینده‌ای در زمینه فیزیولوژی و تشبیه به وقوع می‌پیوندد؟ پیوستگی علم و هنر، یکپارچگی شرق و غرب، وحدت ذهن، بدن و روح. جزئیات در تئوریهای فردی و اولویت‌های کارآموزان و مددجویان روشن می‌شود: آیا باید بر رابطه‌ی درمانی تاکید کرد؟ یا بر ایجاد هنر؟ آیا باید بکوشیم تا فرآیندهای ناهشیار را رمزگشایی کنیم؟ آیا برای اینکه بیاموزیم چگونه در جهان حرکت کنیم باید بر عقل تکیه کنیم؟ امروزه کدام نظریه، هنردرمانی را تقویت می‌کند؟

پیش فرضهای اصلی در هنردرمانی

هنردرمانی بر موقعیت ایجاد هنر در دسترسی و بیان معنی دار خویشان و ساختارهای اجتماعی تاکید دارد. زیرا یک فعالیت خلاق است، هنردرمانی بالقوه می‌تواند ایده‌ها، معانی و تدابیر تازه را به وجود بیاورد. اغلب هنردرمانگران با پیش فرضهای زیر موافقت:

• در فرایند ایجاد هنر، تمامی مغز با دسترسی به

فهرست منابع

· Art Therapy With Offenders by Marian Liebmann, page 222, 21

· Feminist Approaches to Art Therapy by Susan Hogan, page 214

· Group Process Made Visible: The Use of Art in Group Therapy by Shirley Riley , page 25

Art Therapy for Groups: A Handbook for Themes, Games, and Exercises (Paperback)
by Marian Liebmann

۱- بررسی تأثیر نقاشی در بیماران روانی- قدرت الله لثنی زند کارشناسی
کاردرمانی ، نشریه داخلی: نشریه انجمن کاردرمانی ایران

برای ابراز احساسات خود پیدا نمی‌کنیم یا هنگامی که بیان کلمات یا احساسات بسیار مشکل باشد بتوانیم هیجانات و احساسات خود را بیان کنیم.

متخصص هنردرمانی باید از قابلیت و شایستگی فراوانی برخوردار باشد هم در زمینه هنری و هم در زمینه روانشناسی. او باید همچنین آموزش و دوره هنردرمانی را گذرانده باشد. بسیاری از متخصصان هنردرمانی روانشناس هستند. متخصص هنردرمانی در زمینه خلق اثر هنری راهنمایی نمی‌کند ولی شخص را تشویق می‌کند که آزادانه احساسات خود را بیان کند و برداشتها و تفسیرهای خود را به تحرک اندازد.

درمان نه تنها برای بزرگسالان بلکه برای افراد سالخورده و به ویژه برای کودکان خردسال کمک بسیار بزرگی است. همه افرادی که نقاشی یا کار هنری می‌کنند به طور غیرکلامی احساسات خود را بیان می‌کنند. در حالت عمومی هنردرمانی همه کسانی را مخاطب قرار می‌دهد که مایلند خود را بهتر بشناسند. هنردرمانی همچنین تمرین و کاربرد رایجی در زمینه سلامتی است و در موارد زیادی مفید برای درمان دلهره و اضطراب، تشویش و نگرانی، غم و اندوه عاطفی، افسردگی و مشکلات ناشی از آن، اوتیسم، مشکلات مقطعی جدایی، مرگ، بیکاری و... مشکلات رفتاری تغذیه‌ای، مشکلات آموزشی، ضربه‌های روحی ناشی از خشونت‌های جنسی، بیش‌فعالی، انزوا، گوشه نشینی و... است.

4 -autism

